



Mental spaces in Surah Mubarakah Anfal based on Fauconnier's theory

Alireza Ahan kar*¹, Soudabeh Mozaffari²

¹ Ph.D student, Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi, Tehran, Iran.

² Associate Professor, Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi, Tehran, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
17/02/2025
Accepted:
02/06/2025

The theory of mental spaces was designed by Gilles Fauconnier. This theory examines the constructions of linguistics in drawing a model of human thinking. A text contains different mental spaces and because the mental spaces are contextual and spatial, they are very related to each other. The partial and intertwined structure of these spaces leads to the impossibility of separating them. These spaces are behind the scenes that are created based on public scenes. The Holy Quran is a suitable platform for analyzing interwoven mental spaces. The present study is dedicated to the analysis of mental spaces in Surah Anfal using a descriptive-analytical method by selecting verses with space-forming elements and applying the theory to different spaces and the area of the verses. In this holy Surah, topics including the ruling on Anfal, ownership and enjoyment of war spoils, the dignity of pious and patient believers in confronting infidels and hypocrites, the evil plans of Satan, and the absurd claims of infidels in denying divine verses are raised. These cases have a false premise, which is the conventional mental space, most of which is derived from the trickery of Satan and, consequently, the infidels. God Almighty explains the precise and correct reality of that initial mental space and proposes the correct frameworks for maintaining morality, adhering to divine laws, and the growth and advancement of the Islamic society. The real mental spaces in this Surah explain the true faith of believers in God and their acceptance of divine guidance, and prevent them from depending on worldly attachments and moving in the opposite direction of the path that God and the Prophet (PBUH) have set before the servants.

Key words: mental space, conventional mental space, real mental space, Fouconie's theory, Surah Anfal.

Cite this article: Ahan kar, A. & Mozaffari, S. (2025). *Mental spaces in Surah Mubarakah Anfal based on Fauconnier's theory*, year2, issue1, Pp 125-158.

DOI: 10.22034/jisall.2025.526535.1074

© The Author(s).

Publisher: University of Zabol



***Corresponding Author:** Alireza Ahan Kar

Address: Ph.D student, Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi, Tehran, Iran.

E-mail: alirezaahankar@khu.ac.ir



فضاهای ذهنی در سوره مبارکه انفال بر اساس نظریه فوکونیه

علیرضا آهن کار^{۱*}، سودابه مظفری^۲

^۱ دانشجوی دکتر، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، خوارزمی، تهران، ایران.

^۲ دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، خوارزمی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

نظریه فضاهای ذهنی توسط ژیل فوکونیه طرح‌ریزی شده است. این نظریه به بررسی ساخت‌های زبان‌شناسی در ترسیم مدل چگونگی تفکر انسان می‌پردازد. یک متن شامل فضاهای ذهنی مختلف است و از آن‌جا که فضاهای ذهنی بافت‌بنیاد و مکان‌مند هستند، بسیار به هم مرتبط می‌باشند. ساختار جزئی و در هم تنیده این فضاها، به عدم امکان جداسازی آن‌ها می‌انجامد. این فضاها پشت صحنه‌هایی هستند که بر اساس صحنه‌های عمومی خلق می‌شوند. قرآن کریم بستر مناسبی برای تحلیل فضاهای ذهنی در هم تنیده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی با گزینش آیات دارای عناصر فضا‌ساز و تطبیق نظریه بر فضاهای مختلف و ساحت آیات، به واکاوی فضاهای ذهنی در سوره انفال اختصاص یافته است. در این سوره مبارکه، موضوعات شامل حکم انفال، مالکیت و بهره‌مندی از غنائم جنگی، عزتمندی مؤمنان با تقوا و صبور در رویارویی با کفار و منافقان، نقشه‌های تباہ شیطان و ادعاهای پوچ کفار در انکار آیات الهی، مطرح می‌شود. این موارد از یک پیش فرض نادرست که همان فضای ذهنی متعارف باشد، برخوردار است که بیشتر آن‌ها برگرفته از نیرنگ شیطان و به تبع او کفار است و خداوند متعال، واقعیت دقیق و درست آن فضای ذهنی اولیه را تبیین می‌کند و چارچوب‌های درست را در جهت حفظ اخلاقیات، پایبندی به احکام الهی و رشد و تعالی جامعه اسلامی، مطرح می‌کند. فضاهای ذهنی واقعی در این سوره، ایمان راستین مؤمنان به خداوند و پذیرفتن مصحلت الهی را تبیین کرده است و از وابستگی به تعلقات دنیوی و حرکت در جهت خلاف مسیری که خدا و پیامبر(ص) پیش روی بندگان قرار داده‌اند، باز می‌دارد.

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۱۱/۲۸

پذیرش:

۱۴۰۴/۰۳/۱۳

واژگان کلیدی: فضای ذهنی، فضای ذهنی متعارف، فضای ذهنی واقعی، نظریه فوکونیه، سوره انفال.

استناد: آهن کار، ع. مظفری، س. (۱۴۰۴). فضاهای ذهنی در سوره مبارکه انفال بر اساس نظریه فوکونیه، دوره ۲، شماره ۱، صص

۱۲۵-۱۵۸.

DOI: 10.22034/jisall.2025.526535.1074



ق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه زابل

۱. مقدمه

مکتب زبان‌شناسی شناختی، به مباحث علوم شناختی که به ذهن انسان می‌پردازد و همچنین به روانشناسی گشتالتی که بر این اصل بنیادین استوار است که ذهن انسان در مواجهه با محرک‌های بیرونی، داده‌ها را به شکل کل‌های سازمان‌یافته و منسجم ادراک می‌کند، برمی‌گردد (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۳) و «به بررسی رابطه تجربه، نظام مفهومی و ساختار معنایی رمزگذاری شده به وسیله زبان می‌پردازد و به این سبب از زبان به عنوان ابزاری روش‌شناختی که امکان بررسی پدیده‌های شناختی را مهیا می‌سازد، بهره می‌برد» (سویتزر، ۱۹۹۰: ۴). فوکونیه از جمله پژوهشگرانی است که نظریه فضاهای ذهنی را در چارچوب زبان‌شناسی شناختی به عنوان یکی از الگوهای مفهومی مطرح کرد: «فضاهای ذهنی ساختارهای کوچک هستند که هنگام سخن گفتن و تفکر با هدف ادراک و عکس‌العمل مناسب در موقعیت‌های گوناگون ساخته می‌شود» (فوکونیه، ۲۰۰۱: ۵). وی با همکاری ترنر؛ دیگر زبان‌شناس همکار خود، در سال ۱۹۹۴ با نوشتن مقاله «فراکنی مفهومی و فضاهای میانی» برای اولین بار نظریه آمیختگی مفهومی را مطرح کرد. آن دو بعدها در سال ۱۹۹۸ در مقاله «شبکه‌های آمیختگی مفهومی» این نظریه را به عنوان شکل تکمیل‌شده نظریه فضاهای ذهنی و استعاره مفهومی لیکاف به صورت مفصل‌تری ارائه دادند. از آنجا که این نظریه «قادر به توجیه پدیده‌هایی است که نمی‌شود آن‌ها را به صورت صریح توسط استعاره مفهومی تبیین کرد» (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۴۲۲) بنابراین این نظریه به عنوان مکمل نظریه‌های فضای ذهنی و استعاره مفهومی به رفع ناتوانی نظریه‌های پیشین پرداخته و به تبیین ساخت‌های مفهومی پیچیده و جنبه‌های پویای معناسازی اختصاص یافت (قاسمی فرد و زارع، ۱۴۰۱: ۳۲).

بررسی آیات قرآن کریم در چارچوب نظریه‌های الگوهای مفهومی و فضاهای ذهنی امری بس مغتنم است. پژوهش حاضر با گزینش و تحلیل آیاتی که خواننده را مقابل دو فضای اولیه (متعارف) و ثانویه (واقعی) قرار می‌دهد و مسیر درست را نمایان می‌سازد، صورت می‌گیرد. در ترجمه، تفسیر و تحلیل آیات از کتاب مجمع البیان فی تفسیر القرآن شیخ طبرسی، آیت الله مکارم شیرازی و ترجمه ایشان از تفسیر المیزان علامه طباطبائی و همچنین تفسیر نور محسن قرائتی استفاده شده است. علت بهره‌مندی از منابع مذکور، نزدیک بودن فضای ترجمه و تحلیل ایشان، به نظریه فضاهای ذهنی و چارچوب‌هایش است. در این راستا فضاسازها نیز ابزاری برای خلق فضاهای متعارف و در مقابل حقیقی هستند، که در بخش‌های بعدی به تفصیل توضیح داده شده است.

از جمله سوره‌هایی که قابلیت واکاوی فضاهای ذهنی را داشته و می‌توان مفاهیم ذهنی متعارف در آن را با مفاهیم ذهنی واقعی تمییز داد، سوره مبارکه انفال است. این قابلیت به جهت ترسیم دقیق

موضوعات مطرح در سوره مذکور و تبیین صواب از ناصواب توسط خداوند است. پژوهش حاضر در این سوره به فضاهای ذهنی در قالب سه فضای اصلی و واقعی الهی، فضای ذهنی فرضی غیر واقعی مشرکان و کافران و نهایتاً فضای ذهنی غیر واقعی شیطان می‌پردازد و در همین راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. فضاهای ذهنی در قالب چه عباراتی از سوره انفال جلوه‌گر شده‌اند؟

۲. فضاهای ذهنی مبتنی بر واقعیت، چه تأثیری در تبیین درست و دقیق مضامین این سوره دارند؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه نظریه آمیختگی مفهومی و فضاهای ذهنی صورت گرفته است. این پژوهش‌ها در حوزه‌های مختلف سینما، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ادبیات و متون دینی و مذهبی به انجام رسیده است. در حوزه متون دینی به نمونه‌های دست اول، ذیل مضمون آمیختگی مفهومی یا فضاهای ذهنی اشاره می‌شود:

۱. مقاله «تحلیل فضاهای ذهنی گفتمان شیطان در قرآن» (۱۳۹۵)، که به قلم شیرافکن و قائمی‌نیا در دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم نگاشته شده است. در این مقاله در سوره‌های مختلف به فضاهای ذهنی‌ای که شیطان آن‌ها را برای گمراه کردن انسان، طراحی کرده است، پرداخته شده و مشخص می‌شود که فضای ذهنی شیطانی دقیقاً در مقابل فضای ذهنی الهی قرار داشته و پیروان خداوند به فضای ذهنی الهی و پیروان شیطان به فضای ذهنی مطابق با افکار شیطانی تمایل دارند.

۲. مقاله «بازکاوی سوره بقره بر اساس نظریه آمیختگی مفهومی» (۱۳۹۸)، توسط قائمی مسبوق و ذوالفقاری در نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی به رشته تحریر درآمده است. این پژوهش به تحلیل شناختی آیات سوره بقره پرداخته و معتقد است که آمیختگی در تجزیه و تحلیل سوره مفید واقع شده و در مطرح کردن مسائل انتزاعی، توصیف قشرهای مختلف جامعه و احکامی مانند قصاص، کاربرد دارد و می‌تواند به نحو مطلوب، ابعاد پنهان این مسائل را به مخاطب ارائه دهد.

۳. مقاله «بررسی فضاهای ذهنی سوره قمر با تأکید بر معناشناسی شناختی» (۱۳۹۹)، توسط شیرافکن و صاحبیان در مجله ذهن، به رشته تحریر درآمده است. در این پژوهش، به پنج فضا‌ساز ذهنی شقّ-القمر، ملخ‌های پراکنده، بارش سنگریزه، عذاب مستقر و جایگاه متقین، اشاره شده است و خداوند در آن فضاها تاریخ سرکشان را مرور کرده و از جایگاه مؤمنان و نجاتشان از عذاب الهی سخن می‌گوید.

۴. مقاله «فضاسازی ذهنی حواس در قرآن کریم با تکیه بر نظریه آمیختگی مفهومی» (۱۴۰۱)، به قلم قاسمی‌فرد و زارع در دوفصلنامه کتاب قیم نوشته شده است. در این مقاله به این مهم اشاره می‌شود

که روابط عناصر متناظر فضاهای درون‌داد از نوع شباهت، عدم شباهت و جزء به کل بوده است. شبکه‌های تلفیقی مرتبط با حس بینایی منحصر در ذات الهی بود اما شبکه‌های حس چشایی و لامسه و شنوایی با وجود بررسی در ذات الهی، در امور مادی و انسانی نیز امکان بررسی داشته است.

۵. مقاله «نقش گروه‌های فعلی و ساخت‌های شرطی در فضاسازی قرآن کریم بر اساس نظریه فضاهای ذهنی فوکونیه» توسط قربانی مادوانی و عزیزی تنهایی به رشته تحریر درآمده است. این مقاله شواهدی از قرآن کریم را با محوریت نقش فضاها در ایجاد فضاهای ذهنی، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است و از مهم‌ترین نتایج این پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد: بیشتر فضاهای ذهنی گروه فعلی، از نوع زمانی و فضای ذهنی گروه شرطی، از نوع فرضی‌اند. این گروه‌های فضا‌ساز حوزه‌های مربوط به معاد، بعثت در روز قیامت و... را فضا‌سازی کرده‌اند.

۶. مقاله «الأفضیة الذهنیة فی الخطاب القرآنی من خلال نماذج» از عماره الجداری در سال ۲۰۲۱م در مجله «الباحث» به چاپ رسیده است. این مقاله به فضاهای ذهنی‌ای که در آیات قرآن، میان متکلم و مخاطب ایجاد می‌شود می‌پردازد. این پژوهش با تبیین نظریه ژیل فوکونیه و تاریخچه آن، به مباحث تحلیلی و تطبیق با آیات می‌پردازد. فضای ذهنی و فضای واقعی را در نمونه‌هایی از آیات قرآن مطرح می‌کند، به برداشت عامیانه و سطحی از مضامین آیات، سپس درک عمق و واقعیت آن‌ها می‌پردازد. نقش مجاز مرسل را عنوان می‌کند و به منشأ ایجاد فضاهای ذهنی در نمونه آیات اشاره دارد.

۲. مفهوم‌سازی شناختی

معناشناسی به معنای مطالعه و بررسی علمی معنا است (صفوی، ۱۳۸۷: ۲۷) و به شاخه‌های معناشناسی فلسفی، منطقی و زبانی تقسیم می‌شود (قائم‌نیا، ۱۳۸۹: ۷۸) که هر کدام، زیرشاخه‌های مختلفی دارند. معناشناسی زبانی، دانش مطالعه انتقال معنا از طریق زبان است (صفوی، ۱۳۸۷: ۳۴). معناشناسی یا سمانتیک که در آن معنی در گرو قصد گوینده است و مخاطب سعی می‌کند آنچه قصد گوینده است را صید کند و جمله، به خودی خود و بدون قصد و اراده گوینده آن، تهی، فاق معنی و غیر قابل صدق و کذب است و متن به مثابه اثر، در نظر گرفته می‌شود. در این دانش، بررسی معنا درون نظام زبان، صورت می‌گیرد (قائم‌نیا، ۱۳۸۹: ۵۲۹). معناشناسی، همچون علم اصول که منطقی و ضابطه استنباط‌های فقهی را ارائه می‌دهد، به مثابه منطقی و ضابطه علم زبان‌شناسی است که با آن می‌توان از خطا در درک مدلول‌های کلام و فهم معانی کلمه‌ها و ترکیب‌های یک متن برحذر بود (اختیار، ۱۳۴۸: ۱۲۷). به عقیده ایزوتسو ما هنوز در زمینه معناشناسی یک علم یکنواخت سازمان‌یافته در اختیار نداریم؛ همه آنچه در اختیار ما است تعدادی از نظریه‌های مختلف درباره معناست (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۲).

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در آمریکا، به دنبال نگرش‌های لیکاف، جانسون و لنگاکر حرکت جدیدی در معنی‌شناسی شکل گرفت که بعدها با نام معنی‌شناسی معرفی شد. پیدایش این نگرش جدید رویداد مهمی در مسیری که زبان‌شناسی به ویژه در آمریکا طی می‌کرد، محسوب می‌شد زیرا از اوایل قرن بیستم با شکل‌گیری زبان‌شناسی ساخت‌گرای آمریکایی تحلیل‌های معنایی به کنار نهاده شد تا زبان‌شناسی بتواند به عنوان حوزه مطالعه‌ای که از روش‌های پژوهشی، علمی در تحلیل ساختار بهره می‌جوید در فهرست علوم قرار گیرد (قائم‌نیا، ۱۳۹۵: ۶۷).

زبان‌شناسی شناختی رویکردی است که سعی آن «در راستای توصیف زبان بر پایه جنبه‌های شناخته شده و مستند شده شناخت آدمی است. دلیل پسوند شناختی به نام این رویکرد نیز همین است» (لیتل‌مور و تیلور، ۱۳۹۵: ۱۷). از این روی، «اساسی‌ترین فرض در زبان‌شناسی شناختی پذیرش زبان به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده شناخت و بررسی آن بر پایه آن چیزی است که درباره ذهن می‌دانیم» (تیلور: ۲۰۰۲: ۹). جمله‌ها به عنوان بخشی از نظام زبان با دستورالعمل‌های خود، بنابر موقعیت‌های مختلف، حوزه‌های مفهومی موقتی را در متن می‌سازند که منجر به خلق تعابیر مختلف و فضاهای ذهنی گوناگونی می‌گردد. از نظریاتی که به خلق این فضاها نظر دارد و از ابزارها و روشهای مؤثر دانش زبان‌شناسی شناختی در تحلیل تفکرات مختلف و متون گوناگون به شمار می‌آید، آمیختگی مفهومی است که «یک ظرفیت ذهنی عالی است» (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲: ۳۹۶). این نظریه در پی آن است تا ابزاری ملموس به منظور تبیین و واکاوی لایه‌های تو در تو معانی در اختیار بشریت نهاده و «ساز و کار چگونگی پیدایش معنای نوظهور را نشان دهد» (سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۲۶) از این رو «نظریه آمیختگی مفهومی در بسیاری از نظریه‌های شناخت نقش بسزایی دارد و دارای خصوصیات یکپارچه و ساختاری منظم و پویاست» (فوکونیه و ترنر، ۱۹۹۸: ۳۵).

۳. فضاهای ذهنی

در نظریه فضاهای ذهنی با استفاده از ساخت‌های زبان‌شناختی (به ویژه ارجاع) به طرح مدل شناختی از چگونگی درک و تفکر انسان پرداخته می‌شود. این روش، ابزاری برای تحلیل شناختی متن است. با استفاده از این روش می‌توان مفهوم‌سازی عبارت را تحلیل کرد. یعنی با تحلیل فضا یا فضاهای موجود در عبارت به مفهوم‌سازی و مراد آن عبارت دست یابیم (قائم‌نیا، ۱۳۹۵: ۶۸).

این نظریه را نخستین بار ژیل فوکونیه (۱۹۸۵م) فرانسوی در بحث زبان‌شناختی مطرح کرد. بر طبق نظریه فوکونیه ساخت معنا شامل دو مرحله ساختن فضاهای ذهنی و ایجاد انطباق بین فضاهای ذهنی ایجاد شده می‌شود؛ علاوه بر این، روابط انطباقی توسط بافت گفتمان موجود راهنمایی می‌-

شود. این بدان معناست که ساخت معنا همیشه بافت‌بنیاد و مکان‌مند است. فوکونیه فضاهای ذهنی را این‌گونه تعریف می‌کند:

«فضاهای ذهنی ساختارهایی جزئی هستند که هنگام صحبت کردن و اندیشیدن تکثیر می‌شوند و امکان تفکیک ساختارهای دانش و گفتمان‌های ما را ایجاد می‌کنند.» (فوکونیه، ۱۹۹۷م: ۱۱).

فضاهای مذکور به یکدیگر گره خورده و در طول مکالمه تغییر می‌کنند. این نظریه بر این محور استوار است که فضاهای ذهنی معنا را به بسته‌های مفهومی مجزایی تفکیک می‌کنند؛ مثلاً در عبارت «سعدی را از کیف خارج کردم» یک مدلول متعارف وجود دارد که همان سعدی است که این یک فضای ذهنی متعارف است اما مدلول دیگری وجود دارد که مدلول واقعی است که کتاب گلستان سعدی است. این فضای ذهنی واقعی است. لذا در این عبارت دو فضای ذهنی وجود داشت. فضای ذهنی متعارف: سعدی / فضای ذهنی واقعی: کتاب سعدی (قائمی‌نیا، ۱۳۹۵: ۶۹).

فوکونیه در ادامه تعریف خود می‌گوید: «فضاهای ذهنی قلمروهایی از شناخت پشت صحنه هستند که سازه‌های ذهنی انتزاعی محسوب می‌شوند و به طور کلی بر پایه صحنه‌های عمومی شکل می‌گیرند.» (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۵۶).

نظریه فضاهای ذهنی پیش‌زمینه‌ای برای فوکونیه و ترنر (۱۹۹۸م) بود تا نظریه آمیختگی مفهومی را ارائه دهند. فوکونیه این ادعا را دارد که نظریه آمیختگی مفهومی نشان دهنده نظامی از شناخت پشت صحنه است که در بر گیرنده تقسیم‌بندی‌ها، انطباق‌ها، فرافکنی‌های ساختاری و محرک‌های ذهنی پویا هستند. نکته مهم در این نظریه، شبکه تلفیقی مفهومی است. فوکونیه و ترنر می‌گویند که این شبکه‌ها دسته‌ای از فضاهای ذهنی هستند که فرایندهای آمیختگی از طریق آنها رخ می‌دهند. از نظر فوکونیه فضاهای ذهنی، واقعیت‌های بالقوه‌ای هستند که به هنگام گوش دادن به سخنان کسی یا خواندن متنی، به صورت پویا برانگیخته می‌شوند. او در ادامه می‌گوید که فضاهای ذهنی بخش‌هایی از فضای مفهومی هستند که دربردارنده نوع خاصی از اطلاعات هستند. آنها بر اساس استراتژی‌های فرهنگی، کاربرد شناختی و زبانی تعمیم‌یافته‌ای برای اطلاعات جدید ساخته می‌شوند. اصول شکل-گیری فضای ذهنی و روابط یا انطباق‌های ایجاد شده بین فضاهای ذهنی، توان به وجود آوردن معناهای نامحدودی را دارند (همان).

فضاسازها نقش ایجاد فضاهای ذهنی را به عهده دارند. آن‌ها واحدهایی زبانی‌اند که یا باعث ایجاد یک فضای ذهنی تازه می‌شوند یا سخنگو را به فضاهای ذهنی قبلی می‌برند و باعث می‌شوند شنونده آماده ساختن فضایی فراتر از زمان و مکان کنونی بشود. فضاسازها انواع مختلفی دارند:

گروه‌های حرف اضافه: در اوایل دهه ۱۳۶۰، در حیاط مدرسه

گروه‌های قیدی: در واقع، خوشبختانه

ساخت‌های شرطی: اگر، هرگاه

گروه‌های اسمی، پایتخت ایران

گروه‌های فعلی: جنگیدن، رفتن (راسخ مهند، ۱۳۹۷ش: ۱۲۴)

با عنایت به این مهم، نمی‌توان نقش پررنگی که فضاسازها در خلق فضای ذهنی ایفا می‌کنند را نادیده گرفت.

۴. شمای کلی سوره انفال

واژه انفال جمع نفل است به معنی غنیمت و هبه و زیادت (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۱۰۱).

مفهوم کلی سوره پیرامون ساماندهی جامعه و بازسازی اخلاقی است (رضائی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۸: ۲۳). این سوره به نام‌های انفال، بدر و جهاد نامیده شده است. این سوره به دلیل کلمه «انفال» که در آغازش آمده است و همچنین به دلیل بیان کردن احکام انفال و ثروتهای عمومی، به «انفال» نامگذاری شده است (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۶۳)؛ این سوره «بدر» نیز نامیده شده، چون درباره جنگ بدر نازل شده است (دائرة المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲، ج ۵: ۲۵). این سوره، «جهاد» نیز نامیده شده است، زیرا پس از نزول این سوره پیامبر تلاوت آن را در جنگها برای تقویت روحیه رزمندگان سنت قرار داد. این رویه در زمان خلفاء نیز ادامه داشته است (همان: ۲۵). سوره انفال ۷۵ آیه و ۱۲۳۱ کلمه و ۵۲۹۴ حرف دارد. البته که درباره تعداد حروف سوره‌های قرآن کریم، اقوال مختلف است. (الرازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۲۳۵).

سوره انفال مشتمل بر مباحث مهمی است:

- بیان مسائل و قوانین مربوط به جنگ؛

- بیان مسائل و قوانین اقتصادی اسلام در مورد اموال عمومی که پشتوانه بیت‌المال به شمار می‌آیند؛

- بازسازی اخلاقی مسلمانان؛

- سامان دادن و نظام بخشیدن به جامعه نوین مسلمانان در مدینه(رضائی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۸: ۲۶).

در هفتاد و پنج آیه‌ای که در سوره انفال وجود دارد مباحث بسیار مهمی مطرح شده است:

نخست اشاره به بخش مهمی از مسائل مالی اسلام از جمله انفال و غنائم که پشتوانه مهمی برای بیت‌المال می‌باشد، شده است. سپس مباحث دیگری را مانند: صفات و امتیازات مؤمنان واقعی، داستان جنگ بدر یعنی نخستین برخورد مسلحانه مسلمانان با دشمنان و حوادث عجیب و عبرت‌انگیزی که در این جنگ واقع شد، دربردارد. همچنین قسمت قابل ملاحظه‌ای از احکام جهاد و وظایف مسلمانان در برابر حملات مستمر دشمن، جریان پیامبر(ص) و داستان آن شب تاریخی هجرت(لیله المیبت)، وضع مشرکان و خرافات آنها قبل از اسلام، چگونگی ضعف و ناتوانی مسلمانان در آغاز کار و سپس تقویت آنها در پرتو اسلام، حکم خمس و چگونگی تقسیم آن، لزوم آمادگی رزمی و سیاسی و اجتماعی برای جهاد در هر زمان و مکان، برتری نیروهای معنوی مسلمانان بر دشمن با وجود کمبود ظاهری نفرت آنها، حکم اسیران جنگی و طرز رفتار با آنها، هجرت کنندگان و آنها که هجرت نکرده‌اند، مبارزه و درگیری با منافقان و راه شناخت آنها و بالاخره یک سلسله مسائل اخلاقی و اجتماعی سازنده دیگر در این سوره مطرح می‌شود(مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۷۷).

در سوره انفال از قوانین و احکام عملی اسلام بیشتر از عقاید و مبانی نظری اسلامی سخن به میان آمده است(رضائی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۸: ۲۶).

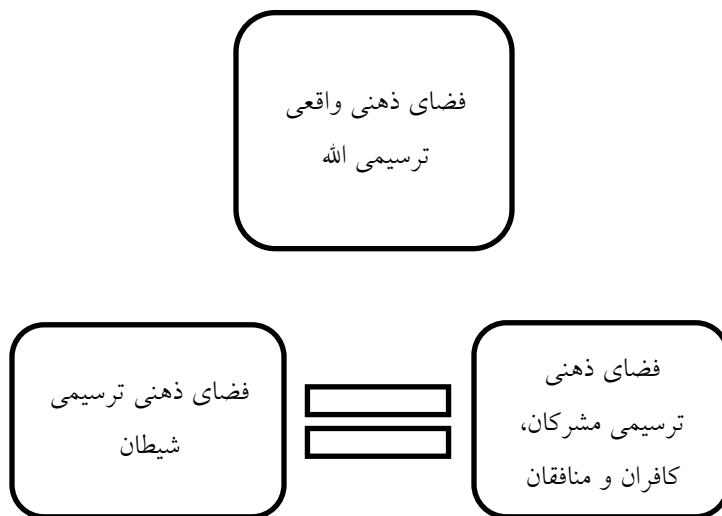
برای درک جامع موضوعات و مفاهیم سوره انفال، نمودار درختی این سوره ارائه گردیده است:



نمودار درختی سوره مبارکه انفال (پایگاه اینترنتی الکوثر)

۵. تحلیل فضاهای ذهنی در سوره انفال

تحلیل فضاهای ذهنی در تمام نمونه‌های موارد ذیل به صورت ترکیبی بر محور ترجمه آیات، تفسیر آیات، تحلیل پژوهشگر و استخراج فضاها استوار است:



۵-۱. فضای ذهنی واقعی ترسیمی الله در تقابل با فضاهای ذهنی غیر واقعی

۵-۱-۱. حکم انفال: خداوند در ابتدای این سوره یک حکم وسیع اسلامی را با فضاها سازهای گروه‌های فعلی و ساخت شرطی، مطرح می‌دارد:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (انفال/۱)

از تو درباره انفال (غنایم، و هرگونه مال بدون مالک مشخص) سؤال می‌کنند؛ بگو: انفال، مخصوص خدا و پیامبر است؛ پس از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و خصومت‌هایی را که میان شماست، آشتی دهید و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید.

اختلاف نظری میان مفسرین درباره «انفال» وجود دارد. برخی گفته‌اند: منظور غنائم جنگ بدر است؛ گروهی دیگر گویند: غنائم سریه‌هاست. برخی گویند: متاع یا کنیز یا غلامی است که بدون جنگ از مشرکین به دست مسلمین بیفتد. برخی گویند: این غنائم مخصوص پیامبر است و هرگونه بخواهد، مصرف می‌کند. برخی دیگر گفته‌اند: مقصود از انفال، چیزهایی است که بعد از قسمت غنائم بر زمین مانده است مثل زره و نیزه و اسب. غنائم بدر مخصوص پیامبر بود. اصحاب

درخواست کردند که به آن‌ها بدهد و قرائت اهل بیت (ع) «یسألونک الأنفال» صحیح است (طبرسی، ۱۳۵۰ش: ۱۵۷-۱۵۶). فضای ذهنی ابتدایی این بوده که مجاهدان مسلمان بنابر تشویق پیامبر، خود را مستحق پاداش می‌دانستند، اما بعد از درگیری لفظی میان دو نفر از انصار آیه‌ای نازل شد که این فضا را کنار زده و موضوع غنائم جنگی را وارد فضای دیگری کرد. با نزول آیه اول از سوره انفال، حکمی مهم مطرح شد؛ اینکه غنائم جنگ، مخصوص خدا و پیامبر است و این فضای جدید بر جامعه مسلمانان پس از جنگ بدر ایجاد شد.

خداوند متعال در این آیه و آیات بعد، پنج صفت را برای مؤمنان حقیقی ذکر می‌کند. صفاتی که داشتن آن، مستلزم داشتن تمامی صفات نیک و ملازم با دارا بودن حقیقت ایمان است؛ صفاتی که اگر خود انسان در آن‌ها تأمل و دقت کند خواهد دید که داشتن آن، نفس را برای داشتن تقوا و اصلاح ذات بین و اطاعت خدا و رسول (ص) آماده می‌سازد و آن صفات عبارتند از: ۱. ترسیدن و تکان خوردن دل در هنگام ذکر خدا، ۲. زیاد شدن ایمان در اثر استماع آیات خدا، ۳. توکل، ۴. بپا داشتن نماز، ۵. انفاق از آنچه که خدا روزی فرموده. معلوم است که سه صفت اول از اعمال قلب و دو صفت اخیر از اعمال جوارح است (طباطبائی، ۱۳۶۷: ۱۰-۹). فضاساز گروه‌های فعلی یسألون، قُلْ، اتَّقُوا، أَصْلِحُوا، أَطِيعُوا با بیان چگونگی پندار و کردار پیامبر و بازخود مؤمنان در رفتارشان به خوبی در خلق فضاها مؤثر واقع شده‌اند و ساختار شرطی *إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ كَامِلًا* بیانگر مضمون تفاسیر فوق است. ضمن اینکه این ساختار شرط، تصور اینکه چه کسی ایمان حقیقی دارد و چه کسی ایمان ظاهری را تشریح می‌کند.

۲-۱-۵. در آیه ۵ سوره انفال خداوند با فضاساز حروف اضافه و گروه فعلی، این نکته را بیان می‌کند که نظر گروهی از مؤمنان که مخالف جنگ بدر بوده و کراهت داشتند نباید برای پیامبر حائز اهمیت باشد و فضای ذهنی آنان نباید تأثیری بر درک فضای حقیقی بگذارد. فضای حقیقی آگاهی از حکمت الهی و اطاعت‌پذیری از فرامین الهی است: «كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنْ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ»

{همان‌گونه که خدا تو را به حق از خانه (به سوی میدان بدر) بیرون فرستاد در حالی که گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند}.

«كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ بِالْحَقِّ» هر زمان این آیه متصل به ما قبل باشد، یعنی: بگو انفال از خداست، زیرا اصلاح شما را بهتر می‌داند، هم‌چنان که با همه کراهتی که گروهی از مؤمنان داشتند،

تو را از مدینه به وسیله وحی خارج کرد و رهسپار بدر گردانید، زیرا رفتن به بدر برای شما مصلحت بیشتری داشت تا ماندن در شهر.

حال اگر آیه متصل به مابعد باشد، برخی می‌گفتند: چگونه خارج شویم در حالی که نمی‌دانیم به سوی قافله می‌رویم یا به سوی جنگ؟! کلمه «بالحق» ممکن است به معنای وحی باشد یا به این معنی که: تو را از مدینه خارج کرد و حق با تو بود. برخی گفته‌اند: یعنی تو را به واسطه اینکه جهاد بر تو واجب بود، از مدینه خارج کرد (طبرسی، ۱۳۵۰ش: ۱۶۵).

«وَإِنْ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ»: گروهی از مؤمنین به واسطه مشقتی که خارج شدن از مدینه به سوی بدر، برای آن‌ها در برداشت، از این کار کراهت داشتند (همان). خدای تعالی با اینکه مردم میل نداشتند مع ذلک در امر انفال حکم به حق کرد، هم‌چنان که تو را در مدینه از خانه‌ات بیرون کرد، بیرون کردنی که توأم با حق بود و طایفه‌ای از مؤمنین از آن کراهت داشتند و با تو در امر حق نزاع می‌کردند و این نزاعشان بعد از آن بود که حق به طور اجمال برای ایشان روشن شده بود و ایشان شبیه به مردمی هستند که بخواهند آنان را بکشند و آن‌ها ایستاده و وسائل و ابزار قتل خود را تماشا می‌کنند (طباطبائی، ۱۳۶۷: ۱۳-۱۲). در آیه بالا خداوند، فضای اولیه‌ای که تزریق حس ناخشنودی و عدم رضایت از تقسیم غنائم است را کنار زده و با یادآوری موفقیت در جنگ بدر - به رغم قلت نفرات و ساز و برگ جنگی - یاران پیامبر را با فضای حقیقی که همان مصلحت‌اندیشی الهی باشد، آشنا می‌کند. فضا‌ساز فعل أخرج و جمله حالیه، در تبیین فضای جنگ بدر، حروف اضافه مِن بَیتک، بِالْحَقِّ وَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، به دقت تصویری را که برخی مؤمنان، شکست قلمداد می‌کردند را کنار زده و فضای پیروزی ترسیم کرد. در اکثر نمونه‌ها به ویژه همین آیه، افعال حرکتی (بر اساس نظریه تالمی) و حروف اضافه به عنوان طرحواره‌های تصویری (بر اساس نظریه لیکاف و جانسون) کاملاً مضمون آیه را به صورت یک تابلو پیش چشمان ما ترسیم کرده‌اند.

۳-۱-۵. در آیه ۱۷ با به کار بردن فضا‌ساز گروه فعلی رمی: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ» این مهم بیان می‌شود که خدا ضربه‌زننده واقعی و علت اصلی پیروزی است؛ برای درک دقیق‌تر مفهوم آیه، خداوند ضربه زدن و نابود کردن را به ضربات فیزیکی انسانی تشبیه کرده است: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيَبْتَلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

این شما نبودید که آن‌ها را کشتید؛ بلکه خداوند آن‌ها را کشت! و این تو نبود، ای پیامبر، که خاک و سنگ به صورت آن‌ها انداختی، بلکه خدا انداخت! و خدا می‌خواست مؤمنان را به این وسیله امتحان خوبی کند؛ خداوند شنوا و داناست.

«فلم تقتلوهم ولكن الله قتلهم» در اینجا می‌گوید: کارهای خداوند سبب اصلی قتل ایشان (مشرکین) بود. مثل تشویق کردن مسلمانان و انداختن ترس و وحشت در دل‌های دشمنان و... نه کارهایی که شما کرده‌اید. پس این فعل از خدا سرزده است نه از شما. «و ما رمیت إذ رمیت و لكن الله رمی» در روایت است که در روز بدر، جبرئیل به پیامبر (ص) گفت: کفی خاک بردار و بر روی دشمن بپاش. روی همین اصل است که خداوند به پیامبر خود، خطاب می‌کند که هنگامی که سنگریزه‌ها را انداختی، خدا بود! این خود یکی از معجزات عجیب است و از کارهای خدایی است. «و لیللی المؤمنین منہ بلاء حسناً» خداوند این کارها را کرد تا به مؤمنین نعمتی نیکو عطا کند. ضمیر «منه» به «نصر» یا به «خداوند» باز می‌گردد. «إن الله سمیع علیم»: خداوند دعای شما را می‌شنود و به کردار و نیات شما داناست. این که نعمت را بلاء می‌نامد چنان که گاهی زیان را هم بلاء می‌نامد؛ به خاطر این است که: بلاء چیزی است که شکیبایی و سپاس‌گزاری انسان را ظاهر می‌سازد. بنابراین خداوند بندگان خود را به وسیله نعمت‌ها و سختی‌ها آزمایش می‌کند تا شکر و صبر آن‌ها آشکار گردد. بلاء حسن، پیروزی و غنیمت و اجر و پاداش است (طبرسی، ۱۳۵۰: ش: ۱۸۴-۱۸۳).

دقت در این آیه شکی باقی نمی‌گذارد در اینکه آیه شریفه اشاره به جنگ بدر می‌کند و جمله «ما رمیت...» هم اشاره به آن مشتم ریگی است که رسول خدا (ص) به طرف مشرکین پاشید و منظور از «قتل» کشتار کفار به دست مسلمین در همان جنگ است و ذیل آیه که می‌فرماید «وَلِيْلِي الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا» دلالت دارد که سیاق آیه، سیاق منت‌گذاری است و خدای تعالی می‌خواهد نصرت خود را بر مسلمین منت بگذارد و به همین جهت نیز عین آن عملی را که رسول خدا (ص) نفی کرده برای وی اثبات نموده و می‌فرماید: «تو نپاشیدی وقتی که پاشیدی.» این آیه عادی بودن داستان بدر را نفی و انکار می‌فرماید (طباطبائی، ۱۳۶۷: ۴۶).

فضای ذهنی واقعی در این آیه برای پیامبر و یارانش این تصویر مهم را ترسیم میکند که جز با اراده الهی هیچ امری میسر نیست و آنها غره نشوند و گمان نکنند که خود با طرح نظامیشان توانستند دشمن را زمینگیر کنند. لشکر مؤمنان از آزمایش خداوند سربلند بیرون آمدند و به همین جهت «بلاء حسناً» در این آیه به کار رفته شده است.

۴-۱-۵. فضا ساز گروه اسمی در قالب جملات اسمیه در آیه ۲۸ به خوبی بیانگر این فرموده خداوند است که اموال و فرزندان وسیله آزمایش شماست؛ با تشبیه اموال و فرزندان به پدیده‌های قابل سنجش، این فضا به طرز ملاموس ترسیم می‌شود: ﴿وَعَلَّمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾

{و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است و (برای کسانی که از عهده امتحان برآیند)، پاداش عظیمی نزد خداست}.

«و اعلموا أنّما أموالکم و اولادکم فتنه»: بدانید که مال و اولاد، وسیله آزمایش شما هستند، چونان که ابو لبابه به جهت اینکه مال و اولادش نزد یهودی‌ها بود، خیانت کرد و گرفتار شد. «و أنّ الله عنده أجرٌ عظیم»: پیش خداوند، اجری بزرگ است برای کسانی که خدا را اطاعت و جهاد کنند و مرتکب خیانت نشوند. بدیهی است که اجر خدا بهتر از مال و اولاد است. منظور این است که خداوند انسان را به وسیله مال و اولاد آزمایش می‌کند تا آن‌هایی که به قسمت خدا راضی هستند و آن‌هایی که راضی نیستند، شناخته شوند. البته خداوند از حال مردم آگاه است. آزمایش برای این است که انسان‌ها خود را بشناسند و بدانند: با کاری که انجام می‌دهند سزاوار عذاب هستند یا ثواب (طبرسی، ۱۳۵۰ش: ۱۹۹). فضای ذهنی ابتدایی برخی از مؤمنان این است که شاید دل بسته به ثروت‌ها و فرزندان‌شان باشند در حالی که فضای واقعی این آیه بیانگر این است که این موارد تنها برای آزمایش آن‌هاست و هیچ تصویری جز این نباید داشته باشند و پاداششان دارایی‌های دنیوی نیست، بلکه پاداشی بزرگ که نزد پروردگار است.

با توجه به آیه قبل، علاقه افراطی به ثروت و فرزندان، انسان را به خیانت می‌کشاند و حتی گاهی موجب دست برداشتن از اصول انسانی و دینی (امانت و ادای امانت) می‌شود (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۰۴).

۵-۱-۵. آیه ۳۴ با فضا ساز گروه اسمی (در قالب جمله اسمیه)، حتی جمله حالیه و گروه فعلی بیان می‌کند که متولیان واقعی مسجد الحرام، پرهیزکارانند؛ در این آیه پوچ بودن فضای ذهنی غیر واقعی که فضایی مکانی است و تحت تملک کافران، به تصویر کشیده می‌شود: «وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»

{چرا خدا آن‌ها را مجازات نکند با اینکه از (عبادت موخدان در کنار) مسجد الحرام جلوگیری می‌کنند در حالی که سرپرست آن نیستند! سرپرست آن، فقط پرهیزکارانند؛ ولی بیشتر آن‌ها نمی‌دانند}.

«و ما لهم آلَا يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجد الحرام»: چرا خداوند آن‌ها را مجازات نکند حال آنکه دوستان مسجد الحرام را از مسجد الحرام منع می‌کنند؟ کلمه «أولياؤه» بقرینه بعد حذف شده است. «و ما كانوا أولياؤه»: این‌ها دوستان مسجد الحرام نیستند اگرچه در تعمیرات آن بکوشند. «إن أولياؤه إلا المتقون و لكن أكثرهم لا يعلمون»: حسن گوید: یعنی دوستان مسجد الحرام کسانی هستند که تقوی دارند لکن بیشتر آن‌ها نمی‌دانند. از امام باقر (ع) نیز همین‌طور روایت شده است.

برخی گویند: اینان اولیای خدا نیستند. اولیای خدا کسانی هستند که از معصیت اجتناب می-کنند (طبرسی، ۱۳۵۰ش: ۲۱۰).

کفار چنین ذهنیتی داشتند که صرفاً ایشان پرده‌دار مسجدالحرام و صاحب آن هستند حال آنکه قرآن کریم چنین تصویری را باطل می‌شمارد.

تولیت خانه‌ای که به دست ابراهیم خلیل (ع) و مبتنی بر تقوا ساخته شده است، نباید به دست افراد بی‌تقوا باشد (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۱۳). کفار و مشرکین نمی‌توانند اختیاردار خانه خدا بوده و هر که را بخواهند، اجازه ورود داده و از ورود هر که بخواهند، جلوگیری کنند؛ برای اینکه این خانه بر اساس تقوا و ترس از خدا بنا شده و کسی جز پرهیزکاران، اختیاردار آن نیست (طباطبائی، ۱۳۶۷: ۹۲-۹۳).

۶-۱-۵. فضاساز ساخت شرطی با ترسیم فضای زمانی و گروه‌های اسمی در آیه ۴۲ یادآوری دوباره پیروزی در جنگ بدر به اراده خدا را به تصویر می‌کشد: ﴿إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدَّنِيَّةِ وَ هُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَ الرِّكْبِ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَ لَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِأَخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَ لَكِنَّ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتِنَا وَ يُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَن بَيْتِنَا وَ إِنَّا اللَّهُ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

{در آن هنگام که شما در طرف پایین بودید و آن‌ها در طرف بالا (و دشمن بر شما برتری داشت) و کاروان (قریش) پایین‌تر از شما بود (و وضع چنان سخت بود که) اگر با یکدیگر وعده می‌گذاشتید (که در میدان نبرد حاضر شوید) در انجام وعده خود اختلاف می‌کردید ولی (همه این‌ها) برای آن بود که خداوند کاری را که می‌بایست انجام شود، تحقق بخشد تا آن‌ها که هلاک (و گمراه) می‌شوند، از روی اتمام حجت باشد و آن‌ها که زنده می‌شوند (و هدایت می‌یابند)، از روی دلیل روشن باشد؛ و خداوند شنوا و داناست}.

«إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدَّنِيَّةِ»: ابن عباس گوید: منظور این است که خداوند قادر است که شما را یاری کند، زیرا هنگامی که در کنار وادی نزدیک به مدینه بودید و ذلت و زبونی دامنگیر شما شده بود، شما را یاری کرد. «وَ هُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ»: در آن وقت، مشرکین هم در آن طرف وادی که از مدینه دورتر بود فرود آمده بودند. «وَ الرِّكْبِ أَسْفَلَ مِنْكُمْ»: ابوسفیان و همراهانش که همراه کاروان بودند، در محلی پایین‌تر در طرف ساحل دریا قرار داشتند. در اینجا خداوند به این مطلب اشاره می‌کند که دو لشکر بدون میعاد قبلی، روبروی هم قرار گرفتند و مسلمین با کمی عده گرفتار کم آبی و رملی شده بودند که پای آن‌ها در آن فرو می‌رفت، اما مشرکین دارای عده بسیاری بودند و آب را هم در اختیار داشتند و کاروان - که حامل اموال تجارتهی ایشان بود - در پایین‌تر آن‌ها قرار داشت. با این-

همه، خداوند مسلمین را یاری کرد تا بدانند که پیروزی از جانب خداست. «و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعاد» اگر برای گرد آمدن در محل جنگ، وعده‌ای گذاشته بودید و از کثرت جمعیت آن‌ها مطلع می‌شدید، تأخیر می‌کردید و مرتکب خلف وعده می‌شدید. این معنی از ابن اسحاق است. برخی گویند: یعنی اگر وعده‌ای گذاشته بودید، بر اثر پیش آمدن موانع و مشکلات، از وفای به عهد، در می‌ماندید. کلمه «میعاد» در اینجا به منظور تأکید امر خداوند نسبت به اتفاق و هماهنگی به کار رفته است و اگر لطف خدا نبود، اختلاف پیدا می‌شد (طبرسی، ۱۳۵۰ش: ۲۲۷-۲۲۶).

«و لکن لیقضی الله أمراً کان مفعولاً»: لکن خداوند مقدر ساخت که بدون داشتن میعاد، با یکدیگر روبرو شوید، تا امر خداوند درباره اعزاز دین و مسلمین و اذلال شرک و مشرکین، تحقق پیدا کند. وقوع این امر از لحاظ قضایای الهی حتمی بود. «لیهلاک من هلاک عن بیئنه و یحیی من حی عن بیئنه»: این کارها را خداوند بزرگ انجام داد تا کسانی که می‌میرند، بعد از اتمام حجت باشد و معجزات باهره پیامبر(ص) را در جنگ‌ها و جاهای دیگر دیده باشند و همچنین برای کسانی که زنده می‌مانند نیز اتمام حجت شده باشد. برخی گویند: بینه، وعده‌ای است که خداوند درباره پیروزی مسلمانان داده است. این وعده، برای مردم، دلیل راستگویی پیامبر(ص) بود. برخی گویند: یعنی برای اینکه کسانی که پس از قیام حجت، گمراه می‌شوند، هلاک شوند و کسانی که پس از قیام حجت، هدایت می‌شوند، حیات پیدا کنند. پس بقای کافر، بعد از اتمام حجت، هلاک او و بقای مؤمن بعد از اتمام حجت، حیات اوست. «و إن الله لسمیع علیم»: خداوند گفتار آن‌ها را شنوا و به اسرار قلبی آن‌ها داناست و آن‌ها را مجازات می‌کند(همان).

خداوند اگر این قضا را راند که شما(مؤمنان) با کفار این‌طور تلافی و برخورد کنید و در چنین شرایطی شما مؤمنین را تأیید نمود و کفار را بی‌چاره کرد، همه برای این بود که خود دلیل روشنی بر حقانیت حق و بطلان باطل باشد تا هر کس هلاک می‌شود با داشتن دلیل و تشخیص راه از چاه هلاک شده باشد و هر کس هم زنده می‌شود، با دلیل روشن زنده شده باشد و به این بیان، روشن می‌شود که منظور از هلاکت و زنده شدن، هدایت و ضلالت است چون ظاهراً چیزی که مرتبط با وجود بینه و دلیل روشن باشد، همین هدایت و ضلالت است (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۲۱-۱۲۰).

فضای ذهنی، توان مؤمنان در غلبه بر دشمن است منتها فضای واقعی این است که پیشامد جنگ بدر یک طرح الهی برای نمایش قدرت مسلمانان و ضربه زدن به روحیه کفار و مشرکان بوده است. به همین دلیل در آیه قبلی، روز جنگ بدر، فرقان نامیده شد، زیرا آنقدر امدادهای غیبی نازل شد که

حق و حقیقت برای همه روشن شد و با این وصف، هر کس بی‌توجهی کرد از روی عناد و لجاجت بود: «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ». (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۲۵).

۷-۱-۵. با کاربرد فضاساز ساخت‌های شرطی باز هم همراه با ترسیم فضای زمانی در آیه ۴۳ و ۴۴ خداوند، دشمنان پیامبر(ص) را ناچیز نشان داد: «إِذ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلاً وَكُؤُورًا كَثِيراً لَفَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»

{در آن هنگام که خداوند تعداد آن‌ها را در خواب به تو کم نشان داد و اگر فراوان نشان می‌داد، مسلماً سست می‌شدید و(درباره شروع جنگ با آن‌ها) کارتان به اختلاف می‌کشید، ولی خداوند(شما را از شر این‌ها) سالم نگه داشت؛ خداوند به آنچه درون سینه‌هاست، داناست}.

«وَإِذ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلاً وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»

{و در آن هنگام(که در میدان نبرد) با هم رو به رو شدید، آن‌ها را به چشم شما کم نشان می‌داد و شما را(نیز) به چشم آن‌ها کم می‌نمود تا خداوند کاری را که می‌بایست انجام گیرد، صورت بخشد؛(شما نترسید و اقدام به جنگ کنید، آن‌ها هم وحشت نکنند و حاضر به جنگ شوند و سرانجام شکست بخورند!) و همه کارها به خداوند باز می‌گردد}.

«إِذ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلاً وَكُؤُورًا كَثِيراً لَفَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ»: ای محمد(ص) به خاطر بیاور زمانی را که خداوند در عالم خواب سپاهیان دشمن را در جنگ بدر، به تو اندک نشان داد تا خواب خود را به مؤمنین اطلاع دهی و آن‌ها برای جنگ جرأت پیدا کنند. این معنی از اکثر مفسرین است. خواب دیدن، تصویری است در عالم خواب که انسان فکر می‌کند در عالم بیداری است. این تصور، نه ادراک است و نه علم بلکه بسیاری از خواب‌های مردم، تعبیرش به عکس است. چنان‌که تعبیر گریه، خنده است؛ رمانی گوید: ممکن است خداوند در عالم خواب چیزی را طور دیگر به انسان نشان دهد، زیرا خواب، تخیلی بیش نیست و برای انسان یقین‌آور نیست، اگرچه گاهی هم مفید یقین است؛ درست مثل سراب که انسان آن را آب خیال می‌کند، اما جایز نیست که خداوند چیزی را بر خلاف واقع به پیامبر(ص) خود الهام کند، زیرا تولید جهل می‌کند و بر خداوند روا نیست. حسن گوید: «فی منامک» یعنی: در محل خوابت منظور این است که در چشم تو - که در محل خواب است - آن‌ها را کم نشان داد، نه در خواب. بلخی نیز همین معنی را گفته است لکن بر خلاف ظاهر می‌باشد. «لو أراکم كثيراً لفشلتم و لتنازعتم»: اگر جمعیت آن‌ها را - آن‌چنان که بودند - به تو نشان می‌داد، می‌ترسیدند و درباره جنگ با آن‌ها به نزاع پرداخته، برخی می‌گفتید: باید جنگید

و برخی می‌گفتند: باید نجنگید. «و لکن الله سلم»: لکن خداوند مؤمنان را از سستی و نزاع و اختلاف کلمه و اضطراب حفظ کرد و آن‌ها را به پیروزی رسانید. «إنه علیم بذات الصدور»: خداوند به آنچه در دل‌های شماست، داناست و می‌داند که اگر به کثرت دشمنان پی می‌بردید، از جنگ خودداری می‌کردید. «وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا»: خداوند عده مشرکین را به پیامبر(ص) در خواب کم نشان داد و به مؤمنین در بیداری، زیرا خواب انبیاء حق است. تعداد مشرکین را در نظر مؤمنین کم نشان داد تا جرأت پیدا کنند و با آن‌ها گلاویز شوند و تعداد مؤمنین را در نظر مشرکین کم جلوه داد تا از جنگ سر باز زنند و پیروزی اهل ایمان، جامه عمل بپوشد. «و یقلکم فی أعینهم»: ابن مسعود می‌گوید: به مردی که در کنارم ایستاده بود گفتم: آیا آن‌ها هفتاد نفر هستند؟ گفت: تقریباً صد نفرند! در روایت است که ابو جهل می‌گفت: آن‌ها را بگیرید و نکشید. ممکن است گفته شود: خداوند چگونه آن‌ها را در نظر ایشان کم جلوه داد؟ پاسخ این است که ممکن است اسبابی از قبیل غبار و ... فراهم آید و آن‌ها نتوانند به دقت جمعیت دشمن را ارزیابی کنند و جمعیت آن‌ها را قلیل بشمارند. این هم یکی از الطاف خداوند است. «لیقضی الله أمراً کان مفعولاً»: این جمله را مجدداً تکرار می‌کند زیرا همان فایده‌ای که در آیه پیش مورد نظر بود، در اینجا مورد نظر است. در آیه قبل، مقصود این بود که شما را بدون میعاد قبلی رو در روی دشمن قرار داد تا امر خداوند تحقق پیدا کند و در اینجا مقصود این است که هر کدام از دو سپاه را در نظر دیگری اندک نشان داد تا جنگ شروع شود و امر خداوند، جامه عمل بپوشد. برخی گویند: در اول منظور این بود که در روز بدر شما را پیروزی بخشید و در اینجا منظور این است که این پیروزی برای مردم مؤمن همیشگی است. برخی گویند: منظور تأکید است. اینکه در اینجا به جای مستقبل، فعل ماضی به کار می‌برد برای این است که نشان دهد که مطلب، طوری حتمی الوقوع است که گویی انجام گرفته است: «و إلى الله ترجع الأمور»: بازگشت کارها به خداست (طبرسی، ۱۳۵۰ش: ۲۲۹-۲۲۸).

در این دو آیه، خداوند برای بالا بردن روحیه مؤمنان، تعداد لشکر کافران را اندک نشان داده و در طرف مقابل هم، برای غافلگیری کفار، تعداد مسلمانان را کم و شکست پذیر بودنشان را در دسترس جلوه‌گر شده است. فضای ذهنی متعارف، کم بودن تعداد هر دو لشکر است و فضای واقعی تعداد بالای سپاه دشمن می‌باشد که به رغم بالا بودن نظامیانشان، ره به جایی نبردند.

۸-۱-۵. فضا ساز گروه‌های فعلی، اسمی و ساخت‌های شرطی - باز هم مبتنی بر فضای زمانی - در آیه ۶۴ سوره انفال در به تصویر کشیدن مضمون آیه به خوبی مؤثر واقع شده‌اند: ای پیامبر! خدا و مؤمنان برای تو بس است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾

ای پیامبر، خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند برای حمایت تو کافی است (فقط بر آنها تکیه کن).

آیه ۶۵ سوره انفال: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾

ای پیامبر، مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند، چرا که آن‌ها گروهی هستند که نمی‌فهمند.

اکنون خداوند به منظور تشویق به جنگ با کفار می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ »: ای پیامبر، خداوند و مؤمنین برای تو کفایت می‌کنند. حسن گوید: یعنی خداوند برای تو و مؤمنین که از تو پیروی می‌کنند، بس است. کلبی گوید: این آیه، در بیداء، در جنگ بدر، پیش از شروع جنگ نازل شد. « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ »: ای پیامبر، مؤمنین را از راه ثواب جهاد و بیان وعده‌های خداوند و غنیمت، تشویق به جنگ کن. « إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ »: اگر از میان شما بیست نفر برای جنگ شکیبایی و استقامت داشته باشند، دویست نفر از دشمن را مغلوب می‌سازند. « وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا »: و صد نفر شکیبای، هزار نفر از کافران را مغلوب خواهد کرد. در حقیقت می‌خواهد امر کند که مسلمانان باید این‌طور باشند که یکی در برابر ده نفر بایستند. به همین جهت است که بعد می‌فرماید: «الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ»: زیرا تخفیف در صورتی است که تکلیفی باشد. «بَأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ»: این پیروزی از این جهت، نصیب شما می‌شود که شما امر خدا را می‌فهمید و تصدیق می‌کنید و وعده‌های خدا را قبول دارید. این‌ها شما را به صبر و شکیبایی وادار می‌کنند. اما کفار امر خدا را نمی‌فهمند و وعده خدا را تصدیق نمی‌کنند و بنابراین شکیبایی هم ندارند (طبرسی، ۱۳۵۰: ۲۵۷).

فضای ذهنی واقعی که خداوند برای پیامبر ارائه می‌دهد، پشتوانه قدرتمندی است که این پشتمان و اقتدار، به واسطه خداوند و مؤمنان همراه پیامبر ایجاد شده است. در فضای ذهنی متعارف، تعداد زیاد سپاه دشمن بخت بیشتری برای پیروزی دارد ولی در فضای ذهنی واقعی که خداوند آن را ترسیم می‌کند، غلبه مؤمنان مجاهد و صبور بر دشمن بی‌خرد، حتمی است.

نبودن فهم در کفار و در مقابل، بودن آن در مؤمنان باعث شده که یک نفر از بیست نفر مؤمن، بیشتر از ده نفر از دویست نفر کافر، به حساب آید و بر همین اساس، آیه شریفه حکم کلی خود را روی همین حساب برده و می‌فرماید: بیست نفر از مؤمنین بر دویست نفر از کفار غالب می‌شوند و سیرش

این است که مؤمنان در هر اقدامی که می‌کنند، اقدامشان ناشی از ایمان به خداست. ایمان به خدا نیرویی است که هیچ نیروی دیگری معادل آن نبوده و در برابر آن، تاب مقاومت نمی‌آورد، چون به دست آوردن نیروی ایمان مبنی بر فهم صحیح است و همین فهم صحیح، صاحبش را به هر خلق و خوی پسندیده‌ای متصف می‌سازد و او را شجاع و باشهامت و پرجرات و دارای استقامت و وقار و آرامش قلب و وثوق به خدا بار می‌آورد. چنین کسی اطمینان و یقین دارد به اینکه به هر تقدیر چه کشته شود و چه بکشد برد با اوست، زیرا در هر دو تقدیر پاداشش بهشت است و او در خود، مصداقی برای مرگ به آن معنایی که کفار معتقدند و آن را نابودی می‌پندارند، نمی‌بیند (طباطبائی ۱۳۶۷: ۱۶۰).

۲-۵. فضای ذهنی ترسیمی شیطان

۲-۵-۱. در آیه ۴۸، فضا‌ساز ساخت‌های شرطی - همراه با ترسیم فضای زمانی - و گروه‌های اسمی به تصویرگری این امر بسیار مهم انجامیده که شیطان، اعمال دشمنان پیامبر را آراسته است: ﴿وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِتْنَانَ نَكَصَ عَلَى عَقْبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾

﴿و﴾ (به یادآور) هنگامی را که شیطان، اعمال آن‌ها [=مشرکان] را در نظرشان نیک جلوه داد و گفت: امروز هیچ‌کس از مردم بر شما پیروز نمی‌گردد و من، همسایه (و پناه دهنده) شما هستم، اما هنگامی که دو گروه (کافران و مؤمنان مورد حمایت فرشتگان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: من از شما (دوستان و پیروانم) بیزارم؛ من چیزی می‌بینم که شما نمی‌بینید؛ من از خدا می‌ترسم، خداوند شدید العقاب است.﴾

﴿وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ﴾: این جمله عطف بر سابق است، یعنی مشرکین سبکسر، خودنما و بازدارنده از دین خدا، هنگامی از مکه خارج شدند که شیطان کردارشان را در نظرشان زینت داده و راه آن‌ها را به سوی بدر هموار کرد. «وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ»: و به آن‌ها گفت: امروز جمعیت شما بسیار است و من پشتیبان شما هستم و هیچ‌کس بر شما غالب نمی‌شود. برخی گفته‌اند: یعنی من با شما عهد می‌کنم که پیروزی از شماست. «فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِتْنَانَ نَكَصَ عَلَى عَقْبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ»: هنگامی که دو سپاه در برابر هم قرار گرفتند، با به فرار گذاشت و گفت: من از شما بیزارم و از آن‌چه به شما وعده کردم، منصرف شدم، زیرا مشاهده می‌کنم که فرشتگان به یاری مسلمین شتافته‌اند و شما آن‌ها را نمی‌بینید. شیطان و ملائکه یکدیگر را می‌دیدند و می‌شناختند. «إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ»: من می‌ترسم که به دست فرشتگان،

گرفتار عذاب خدا شوم. «والله شديد العقاب»: کیفر خدا دشوار است و نمی‌توان تحمل کرد. برخی گویند: یعنی می‌ترسم مهلت من به آخر رسیده باشد، زیرا ملائکه جز هنگام قیامت و دادن کیفر نازل نمی‌شوند. قتاده گوید: این دشمن خدا دروغ می‌گفت و نمی‌ترسید، بلکه می‌دانست که کاری از دستش ساخته نیست؛ عادت وی همین است. همین که پیروان خود را تحریک کرد و حق و باطل را مقابل هم قرار داد، آن‌ها را رها می‌کند و از آن‌ها بی‌زاری می‌جوید، بنابراین منظور شیطان این است که: من چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید و می‌ترسم که خداوند مرا هم هلاک کند (طبرسی، ۱۳۵۰ش: ۲۳۵-۲۳۴).

زینت دادن شیطان، عمل آدمی را به این است که به وسیله تهییج عواطف درونی مربوط به آن عمل، در دل آدمی القاء می‌کند که عمل بسیار خوبی است و در نتیجه انسان از عمل خود لذت می‌برد و قلباً آن را دوست می‌دارد و آن‌قدر قلب متوجه آن می‌شود که دیگر فرصتی برایش نمی‌ماند تا در عواقب وخیم و آثار سوء و شوم آن، تعقلی کند (طباطبائی، ۱۳۶۷: ۱۲۶).

شیطان اعمال کفّار و لشکرکشی آن‌ها را آراسته، دلپذیر و خوشایند نشان داد. فضای ذهنی غیرواقعی که آسانی غلبه بر مؤمنان است توسط شیطان پیش چشمان کفّار نمایش داده می‌شود.

شیطان برای جبهه باطل، کار تبلیغاتی می‌کند و در آغاز مبارزه به آنان روحیه می‌دهد، ولی به هنگام دیدن امدادهای الهی، آنان را رها کرده و عقب نشینی می‌کند (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۳۴).

۳-۵. فضای ذهنی ترسیمی مشرکان، کافران و منافقان

۳-۵-۱. در آیه ۲۱ فضاساز گروه فعلی سمع، محور طرح‌ریزی تصورات غیر واقعی مشرکان است به این صورت که برخی تظاهر کرده و می‌گویند شنیدیم: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾

«و همانند کسانی نباشید که می‌گفتند: شنیدیم، ولی در حقیقت نمی‌شنیدند».

مثل کسانی که می‌گویند: شنیدیم و نمی‌شنوند، نباشید. این آیه، در نهایت بلاغت است. اینکه می‌گویند شنیدیم و نمی‌شنوند یعنی: آن‌ها با هوشیاری و توجه می‌شنوند اما قبول نمی‌کنند سماع به معنای قبول هم آمده است مثل «سمع الله لمن حمده» یعنی خداوند ستایش بنده خود را قبول کرد. منظور از این کسان، منافقین است. برخی گفته‌اند: منظور یهودیان و برخی گفته‌اند: منظور مشرکین عرب است زیرا آن‌ها می‌گفتند: شنیدیم و اگر بخواهیم مثل آن را می‌آوریم (طبرسی، ۱۳۵۰ش: ۱۸۴-۱۸۸).

در این آیه، نخست خداوند خطاب را متوجه مشرکین نموده و در آن یک نوع توهین به مشرکین شده که گفتند ما شنیدیم ولیکن نمی‌شنوند (همان: ۴۹). فضای ذهنی ابتدایی این است که مؤمنان ادعای ایمان و اطاعت از پیامبر را دارند در حالی که در معرض سرپیچی از تعهدات خود می‌باشند. حال آنکه شنیدن و فهمیدن، مسؤولیت می‌آورد و نافرمانی از حضرت رسول، نافرمانی از خداست. فضای واقعی شنیدن و پیرو ولی امر بودن، در گرو برعهده گرفتن مسؤولیت و اطاعت از پیامبر می‌باشد (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۹۱).

۲-۳-۵. فضا ساز ساخت شرطی در آیه ۳۱ با ترسیم فضای ذهنی زمانی، انکار آیات الهی را جلوه‌گر می‌شود: ﴿وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾^۱ و هنگامی که آیات ما را بر آنان می‌خوانند، می‌گویند: «البته شنیدیم [ولی این آیات، مطلب فوق العاده‌ای نیست] ما هم اگر بخواهیم مانند آن را می‌گوییم، این آیات جز افسانه پیشینیان نیست».

«و إذا تلتی علیهم آیاتنا قالوا قد سمعنا»: هرگاه قرآن برای ایشان خوانده شود، می‌گویند: شنیدیم. سماع، به معنای ادراک صوت از راه گوش است. «لو نشاء لقلنا مثل هذا»: اگر می‌خواستیم، نظیر آن را می‌گفتیم. این ادعا را وقتی می‌کردند که عجز آن‌ها از آوردن مثل قرآن ظاهر شده بود. گاهی انسان به خاطر شدت عداوت، چنین ادعاهایی می‌کند. برخی گویند: آن‌ها هنوز از اینکه بتوانند مثل قرآن را بیاورند، مأیوس نشده بودند زیرا قرآن از همان الفاظی ترکیب شده بود که بر زبان آن‌ها جریان داشت، از این رو امیدوار بودند که بتوانند با قرآن رقابت کنند. اما اژدها شدن عصا کاری بود که کسی نمی‌توانست به انجام آن امیدوار باشد. «إن هذا إلا أساطیر الأولین»: قرآن چیزی جز داستان گذشتگان نیست که بر ما می‌خوانی. گوینده این مطلب، نصر بن حارث بن کلده بود. او و عقبه بن ابی معیط روز بدر اسیر شدند و به فرمان پیامبر (ص) به قتل رسیدند (طبرسی، ۱۳۵۰ش: ۲۰۷).

فضای ذهنی ابتدایی که دشمنان خدا ترسیم می‌کنند، کوچک شمردن آیات الهی است. از حربه‌های دشمن، عوام‌فریبی، سبک‌شمردن، و مسخره‌کردن حق است اما دشمنان طبل توخالی‌اند و از آوردن نظیر قرآن عاجزند (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۰۹). بنابراین فضای واقعی این است که کسانی که چنین ادعایی درباره قرآن دارند خود حتی از آوردن آیه‌ای مانند آن ناتوانند.

۳-۳-۵. فضا ساز ساخت‌های شرطی - همراه با فضای زمانی - و گروه‌های اسمی در آیه ۴۹ به این مهم اشاره دارد که منافقان و آنان که مرض در دل داشتند، این‌گونه می‌پنداشتند: ﴿إِذ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾

و هنگامی را که منافقان و آن‌ها که در دل‌هایشان بیماری است می‌گفتند: این گروه (مسلمانان) را دیشان مغرور ساخته است. (آن‌ها نمی‌دانستند که) هرکس بر خدا توکل کند، (پیروز می‌گردد)؛ خداوند قدرتمند و حکیم است.}.

«إذ يقول المنافقون»: منافق کسی است که قلباً کافر و ظاهراً مؤمن باشد. «والَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»: کسانی که در دل‌هایشان مرض است آن‌هایی هستند که ظاهراً اظهار اسلام می‌کنند و باطناً درباره آن تردید دارند. برخی گفته‌اند: چند جوان از قریش بودند که در مکه اسلام آوردند و پدران‌شان آن‌ها را به زندان افکندند. اینان عبارتند از قیس بن ولید بن مغیره، علی بن امیه بن خلف، عاص بن منبه، حارث بن زعمه و أبو قیس بن فاکهه بن مغیره. در جنگ بدر، همینکه چشمشان به تعداد اندکی از مسلمانان افتاد، گفتند: «غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينَهُمْ»: اینان مغرور دین خود شده‌اند و بدون توجه به جمعیت انبوه مشرکین، فریب پیامبر خود خورده، به جنگ آمده‌اند. سپس خداوند بیان می‌کند که مغرور، خود آن‌ها هستند، می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»: هرکس کار خود را به خدا واگذارد و به او اعتماد کند و با رفتار خود، خدا را خشنود گرداند، خداوند یاریش می‌کند و اسباب پیروزی‌اش را فراهم می‌سازد زیرا او مقتدر و حکیم است و کسی که به او پناه آورد، در پناه قدرت و حکمتش، مصونیت پیدا می‌کند (طبرسی، ۱۳۵۰: ۲۳۹-۲۳۸).

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» در این جمله در مقام جواب گفتار منافقین می‌فرماید: خود ایشان دچار غرورند و جمله «فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» در حقیقت سببی است که در جای مسبب به کار رفته و معنایش این است که: ان منافقین و بیماردلان، در گفتار خود اشتباه کرده‌اند، برای اینکه مؤمنین بر خدای تعالی توکل کرده‌اند و حقیقت هر تأثیری را به او نسبت داده‌اند و خود را به نیروی خدا و حول و قوه او تکیه داده‌اند و معلوم است کسی که در امور خود بر خدا توکل کند، خداوند کفایتش می‌کند، چون او عزیز است و هر کس که از او یاری جوید یاریش می‌کند. او حکیم است و در نهادن هر امری را در جای خود، به خطا نمی‌رود. از این آیه استفاده می‌شود که جمعی از منافقین و سست ایمان‌ها در جنگ بدر در میان مؤمنین بوده‌اند (طباطبائی، ترجمه مکارم، ۱۳۶۷: ۱۲۹).

فضای ذهنی متعارف منافقان این است که با تعداد اندک و ادوات نظامی محدود، امکان پیروزی مؤمنان فراهم نیست در صورتی که فضای ذهنی واقعی، خلاف این برداشت را ارائه می‌دهد و طبق آیه مذکور توکل بر خدای شکست‌ناپذیر، عامل اصلی رستگاری است.

۴-۴-۵. فضا ساز گروه‌های فعلی در قالب فعل نهی همراه با نون تأکید ثقیله که نقش پررنگ این فعل حرکتی را نشان می‌دهد و گروه اسمی در قالب جمله همراه با حرف مشبه بالفعل إن (تأکید بر

تمام جمله) در آیه ۵۹ کاملاً در خلق این تابلو و طرح ذهنی که کافران گمان نکنند پیشی بسته‌اند، مؤثر واقع شده‌اند: ﴿وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنْهُمْ لَا يُعْجِزُونَ﴾

{آن‌ها که راه کفر پیش گرفتند، گمان نکنند (با این اعمال) پیش برده‌اند (و از قلمرو کیفر ما بیرون رفته‌اند)! آن‌ها هرگز ما را ناتوان نخواهند کرد}.

خداوند قبلاً ضمن وعده پیروزی دستور داد که با کفار بجنگند. اکنون در قرائت مشهور بزّی از ابن کثیر با بکارگیری صیغه دوّم شخص مفرد می‌فرماید: «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا»: ای محمد(ص)، گمان نکن که دشمنان کفر پیشه تو، بر فرمان خدا پیشی گرفته و آن را زیر پا گذاشته و بر آن غالب گشته‌اند. آن‌ها از دست تو نجات پیدا نمی‌کنند و خداوند چنان‌که وعده کرده است، تو را پیروزی می‌بخشد و بر آن‌ها غالب می‌سازد. زجاج گوید: یعنی گمان نکن کسانی که از این جنگ جان سالم به در برده‌اند، خود را به زندگی رسانده‌اند. برخی گویند: منظور این است که قلب پیامبر(ص) را همان‌طوری که در مورد کشتگان شاد کرد، درباره فراریان نیز شاد گرداند. «إِنْهُمْ لَا يُعْجِزُونَ»: اینان به هر کجا بروند از قلمرو قدرت خداوند خارج نمی‌شوند و خداوند در قیامت، آن‌ها را مبعوث خواهد کرد. جبائی گوید: یعنی تو را عاجز نمی‌کنند (طبرسی، ۱۳۵۰: ش: ۲۵۰).

یکی از قرائت‌های مشهور کلمه «یحسبن» را با تاء خطاب روایت می‌کند و خطاب در آن به رسول خدا(ص) و منظور از آن خوش‌دل ساختن و تقویت قلب آن حضرت است. معنای «إِنْهُمْ لَا يُعْجِزُونَ» این است که ای پیغمبر تو مپندار که آنان که کافر شده‌اند از ما پیشی گرفته‌اند و ما نمی‌توانیم به آن‌ها برسیم، چون اینان نمی‌توانند خدا را عاجز کنند، چگونه می‌توانند و حال آن‌که قدرت بر هر چیز منحصرأ از آن اوست (طباطبائی، ترجمه مکارم، ۱۳۶۷: ۱۴۹)!

فضای ذهنی کافران به این موضوع برمی‌گردد که آنان گمان می‌کنند با لغو پیمان و خیانت در آن، ابتکار عمل را دست گرفته و از مؤمنان پیشی می‌گیرند. در حالی که خلاف جهت این برداشت، در فضای حقیقی، خداوند در همین آیه می‌فرماید که آن جماعت کافر از ناتوان کردن مؤمنان عاجزند. در مورد عهد و پیمان نیز همانگونه که آنان در فکر پیمان شکنی هستند، مؤمنان نیز عهد خود را لغو کنند و رفتار عادلانه‌ای با دشمن خود داشته باشند و گاهی برای پیشگیری از توطئه و خیانت دشمن باید پیش‌دستی کرد (قرائتی، ج: ۳، ۳۴۳).

۶. نتایج

فضاهای میانی مضامین آیات، که برداشت‌های ثانویه را ایجاد می‌کند و همچنین استعاره‌های مفهومی که به انحاء مختلف در قالب افعال حرکتی، طرحواره‌های تصویری و فضاها، به کار رفته‌اند، فضای کلی این سوره را به سمت ترسیم فضاهای مختلف و تصورات گوناگون فراهم کرده‌اند. فضای ذهنی در بیشتر آیات سوره انفال قابل بررسی است. فضای ذهنی واقعی که در آیات ابتدایی با حکم اسلامی که غنائم تحت مالکیت خدا و پیامبر اوست، ترسیم می‌شود. فضای ذهنی ناامیدی نسبت به جنگ با کفار، جای خود را به فضای ذهنی واقعی امیدواری و اتکال به خدا می‌دهد. هرچه خداوند مصلحت دانسته رقم خواهد خورد حتی اگر به ظاهر انجام کاری به سود بندگان الهی نباشد. اینکه برخی از مؤمنان در فضای ترسیمی متعارف و غیرحقیقی، اعتراف به شنوا بودن و تأیید کردن فرامین الهی دارند، برای خداوند آشکار است و آنان باید در فضای حقیقی پذیرای دستورات الهی، مسؤولیت‌پذیر نسبت به آن‌ها و پیروان راستین پیامبر(ص) باشند. این نکته را هم همیشه در ذهن داشته باشند که داری‌های این دنیا فقط و فقط وسیله‌ای برای امتحانشان است.

مؤمنان راستین، ادعای خرافی بودن آیات الهی را ندارند بلکه این مشرکانند که درباره ماهیت قرآن، ادعایی پوچ دارند و از آوردن نظیر قرآن ناتوانند و آنان که تقوا پیشگان هستند، صاحبان حقیقی مسجدالحرام‌اند. خداوند در چند آیه، پیروزی - به رغم قلت مجاهدان و ساز و برگ جنگی - را یادآوری می‌کند و متذکر می‌شود که نباید منشأ پیروزی و غلبه بر دشمن که همان خداوند است، فراموش شود.

خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید که در برابر دشمنان پیمان‌شکن، پیمان شکنی کنند و نقشه‌های شومشان را نقش بر آب سازند و سپس خیال پیامبر را آسوده می‌کند که خدا و پیروان مؤمنش برای او کافی است و نیازی به یار و یآوری دیگر و یا تسلیم در برابر دشمنان نیست. مؤمنان صبور و ثابت قدم در مسیر الهی، همواره طعم شیرین پیروزی را خواهند چشید. همان‌ها که در برابر انبوهی از سپاه دشمن همچون کوه استوار و پایدارند.

خداوند در عباراتی که شامل فضاهاست، فضاهای ذهنی مؤمنانی که ایمانشان راسخ نیست را بیان کرده و فضای واقعی مؤمنان راستین را برای ایشان ترسیم می‌کند. فضاهای ذهنی درباره یاری خداوند و عنایتش که از نظر مؤمنان مغفول مانده، به خوبی در بار معنایی آیات لحاظ شده است. فضاهای ذهنی غیرواقعی و دروغین شیطان برای به انحراف کشاندن مؤمنان در آیات مطرح شده و در مقابل، مضامین آیات گویای دعوت مؤمنان به حقیقت آرمان‌های الهی و خیرخواهی خداوند است.

منابع

الف. منابع عربی

قرآن کریم

۱. _____ . التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق أحمد قصیر عاملی، بیروت: دار أحياء التراث العربی، بی تا.
۲. فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک.
۳. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش). تفسیر قمی، قم: دارالکتاب.
۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۵. مصطفوی، سیدحسن (۱۴۱۷ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. مهنا، عبدالله علی (۱۴۱۳ق). تهذیب لسان العرب، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.

ب. منابع فارسی

۱. اختیار، منصور (۱۳۴۸ش). معناشناسی، تهران: دانشگاه تهران.
۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۳-۱۳۵۰ش). ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه و تصحیح: هاشم رسولی، تهران: نشر فراهانی.
۳. توشیهیکو، ایزوتسو (۱۳۷۸ش). مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
۴. _____ (۱۳۸۸ش). شبکه‌های شعاعی معنی شناسی قرآن، ذهن، ش ۳۸، تابستان ۱۳۸۸.
۵. راسخ مهند، محمد (۱۳۹۷ش). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی. چ ۷، تهران: سمت.
۶. شیرافکن، محمدحسین؛ قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۵ش). «تحلیل فضاهاى ذهنی گفتمان شیطان در قرآن»، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، دوره ۷، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۶۳-۷۸.
۷. صفوی، کوروش (۱۳۷۹ش). درآمدی بر معناشناسی، چ ۱، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی (سوره).
۸. صفوی، کوروش (۱۳۸۷ش). آشنایی با معنی شناسی، تهران: انتشارات سوره.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۷ش). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.

۱۰. قربانی مادوانی، زهره؛ عزیزی تنهائی، فائزه (۱۴۰۰ش). «نقش گروه‌های فعلی و ساخت‌های شرطی در فضا سازی قرآن کریم بر اساس نظریه فضاهای ذهنی فوکونیه»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال دهم، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۹۲-۱۱۰.
۱۱. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۹ش). بیولوژی نص، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۲. قرائتی، محسن (۱۳۷۰ش). تفسیر نور، قم: مؤسسه در راه حق.
۱۳. قراملکی، احمد فرامرز (۱۳۸۰ش). روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۴. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش). قاموس القرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۵. جنت، لیتل مور و جان آر. تیلور (۱۳۹۵ش). درآمدی بر نظریه‌های زبان‌شناسی شناختی (همراه با برخی جنبه‌های کاربردی)، مترجمان: پارسا بامشادی و شادی انصاریان، قم: انتشارات کاوشیار.
۱۶. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۱ش). آموزش علوم قرآن، چ ۱، بی جا، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۷. _____ (۱۳۹۰ش). معنائشناسی شناختی قرآن، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۹. سایت اینترنتی الکوثر (۱۴۰۱ش اردیبهشت ۷). آشنایی با سوره انفال، بازآوری از سایت fa.alkawthartv.ir

ج. منابع لاتین

- Evans, Vyvyan & Melanie Green.(2006). Cognitive Linguistics: An Introduction; Edinburgh University Press.
- Evans, Vyvyan & Benjamin Bergen & Jörg Zinken.(2007). The Cognitive Linguistics.Reader; UK: Equinox.
- Fauconnier, Gilles.(1994). Mental spaces: Aspects of Meaning Construction in Natural Language ; Cambridge: Cambridge University Press.
- Fauconnier, Gilles.(1997). Mappings in Thought and Language ; Cambridge: Cambridge University Press.

Fauconnier, Gilles; Conceptual blending and analogy ; In: Gentner Dedre, Holyoak

Keith, Kokinov Boicho.(2001). editors. The analogical mind: perspectives from cognitive science: Cambridge: MIT Press.

Fauconnier, Gilles. & Mark Turner.(1998). "Conceptual integration networks" ; *Cognitive Science*. 22/ 2. pp. 133-187.

Fauconnier, Gilles. & Mark Turner.(2002). The Way We Think. Conceptual Blending and the Mind's Hidden Complexities ; N. Y: Basic Books.

Sweetser E.(1990). Mental spaces in grammar: conditional constructions ; Cambridge: Cambridge University Press.

Taylor, John R.(2002). Cognitive Grammar ; Oxford: Oxford University Press.



الأفضية الذهنية في سورة الأنفال المباركة على أساس نظرية فوكونيه

عليرضا آهن كار^١، سودابه مظفرى^٢

^١ طالب الدكتوراه، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة خوارزمي، طهران، إيران.

^٢ أستاذة مشاركة، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة خوارزمي، طهران، إيران.

الملخص

معلومات المقالة

نظرية الأفضية الذهنية صممها جيل فوكونيه. تبحث هذه النظرية في بناءات علم اللغة في رسم نموذج لكيفية تفكير الإنسان. يحتوي النص على أفضية ذهنية مختلفة، وبما أن الأفضية الذهنية هي السياقات التأسيسية والمكانية، فهي مرتبطة ببعضها البعض بشكل كبير. ويؤدي التركيب الجزئي والمتشابه لهذه الفراغات إلى استحالة الفصل بينها. هذه الأفضية موجودة خلف الكواليس والتي تم إنشاؤها بناءً على المشاهد العامة. فالقرآن الكريم منصة مناسبة لتحليل الفضاءات الذهنية المتشابهة. تتناول هذه الدراسة تحليل الفضاءات الفكرية في سورة الأنفال، مستخدمةً المنهج الوصفي التحليلي، باختيار الآيات ذات العناصر المكونة للفضاءات، وتطبيق النظرية على مختلف الفضاءات ومجال الآيات. وتتناول هذه السورة الكريمة مواضيع مثل حكم الأنفال، وملكية الغنائم والتمتع بها، وكرامة المؤمنين المتقين والصابرين في مواجهة الكفار والمنافقين، ومخططات الشيطان، وادعاءات الكفار الباطلة في إنكار الآيات الإلهية. هذه الحالات تطلق من فرضية خاطئة، وهي الفضاء الذهني المتداول، الذي يستمد معظمه من كيد الشيطان، ومن ثم الكفار. يبين الله تعالى الحقيقة الدقيقة والصحيحة لذلك الفضاء الذهني الأولي، ويقترح الأطر الصحيحة لحفظ الأخلاق، والالتزام بالشرائع الإلهية، ونمو المجتمع الإسلامي وتقدمه. إن الفراغات العقلية الحقيقية في هذه السورة تشرح إيمان المؤمنين الحقيقي بالله وقبولهم للهداية الإلهية، وتمنعهم من الارتهاق للملذات الدنيوية والسير في الاتجاه المعاكس للطريق الذي رسمه الله ورسوله (ص) للعباد.

الكلمات المفتاحية: الفضاء الذهني، الفضاء الذهني المتداول، الفضاء الذهني الحقيقي، نظرية فوكونيه، سورة الأنفال.

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٤٤٧/٠٢/٠٧

تاريخ القبول:

١٤٤٧/٠٤/٢٤

الاقتياس: آهن كار، ع. مظفرى، س. (١٤٤٧). الأفضية الذهنية في سورة الأنفال المباركة على أساس نظرية فوكونيه، مقالة محكمة،

السنة ٢، العدد ١، صص ١٢٥-١٥٨.

DOI: 10.22034/jisall.2025.526535.1074

حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.



Mental spaces in Surah Mubarakah Anfal based on Fauconnier's theory

Alireza Ahan kar (Corresponding Author): Ph.D student, Arabic language and literature, Literature and Humanities, Kharazmi, Tehran, Iran.

Email: alirezaahankar@khu.ac.ir

Soudabeh Mozaffari: Associate Professor, Arabic language and literature, Literature and Humanities, Kharazmi, Tehran, Iran.

Introduction

Cognitive linguistics is a type of linguistic science that "emerged in the 1970s and 1980s. This school of linguistics draws on the discussions of cognitive science, which deals with the human mind, and Gestalt psychology, which is based on the perception of the result of the relationship between environmental input and mental processing" (Evans and Green, 2006: 3) and "it examines the relationship between experience, the conceptual system, and the semantic structure encoded by language, and therefore uses language as a methodological tool that enables the study of cognitive phenomena" (Sweitzer, 1990: 4). Fauconnier is one of the researchers who proposed the theory of mental spaces within the framework of cognitive linguistics as one of the conceptual models: "Mental spaces are small structures that are constructed during speaking and thinking with the aim of understanding and reacting appropriately in various situations" (Fauconnier, 2001: 5). He and Turner, another linguist colleague, first proposed the theory of conceptual fusion in 1994, writing the article "Conceptual Projection and Intermediate Spaces." The two later presented this theory in more detail in the article "Networks of Conceptual Fusion" in 1998, as a completed form of Lakoff's theory of mental spaces and conceptual metaphor.

Methodology

The Holy Quran provides a suitable platform for examining the theory of mental spaces, due to the special position of this divine book, which contains extensive themes in comprehensive dimensions within itself. Considering the fact that the verses of the Quran deal with spaces related to a specific topic in a desirable manner, and the linguistic structure of this book is conceptual, comprehensive, and has different angles, Therefore, examining the verses of the Holy Quran within the framework of the theories of conceptual patterns and mental spaces is very valuable. In the translation, interpretation and analysis of the verses, the translation of Ayatollah Makarem Shirazi and his translation of Allama Tabataba'i's Tafsir al-Mizan and also the Tafsir Noor Mohsen Qaraati have been used. The reason for using the aforementioned sources is that their translation and analysis space is close to the theory of mental spaces and its frameworks. Among the surahs that have the ability to

analyze mental spaces and distinguish between conventional mental concepts and real mental concepts is the blessed Surah Al-Anfal.

In the seventy-five verses that exist in Surah Anfal, very important topics are raised: First, it refers to an important part of the financial issues of Islam, including Anfal and spoils, which are an important support for the treasury. Then it includes other topics such as: the qualities and privileges of true believers, the story of the Battle of Badr, which is the first encounter with others and enemies, and the strange and instructive events that occurred in this war. Also, a significant part of the rulings of jihad and the duties of Muslims against the constant attacks of the enemy, the course of the Prophet (PBUH) and the story of that historic night of migration (Laylat al-Mab'it), the condition of the polytheists and their superstitions before Islam, how the Muslims were weak and incapable at the beginning of the work and then strengthened in the light of Islam, the ruling on khums and how it is divided, the necessity of combat, political and social preparation for jihad at any time and place, the superiority of the spiritual forces of Muslims over the enemy despite the apparent shortage of their men, the ruling on prisoners of war and how to treat them, those who emigrated and those who did not emigrate, the struggle and conflict with the hypocrites and the way to recognize them, and finally a series of other constructive moral and social issues are raised in this surah (Makarem Shirazi, 1371, Vol. 7: 77). Surah Anfal was revealed in the second year of the Hijri calendar, after the Muslims' victory in the Battle of Badr (Tabatabai, 1374, Vol. 9:4), and in it, while referring to the Battle of Badr and the events that led to this decisive victory, it mentions God's unseen help (Encyclopedia of the Holy Quran, 1382, Vol. 5:26).

Conclusion

The mental atmosphere in most of the verses of Surah Anfal can be examined. The real mental atmosphere, which is depicted in the opening verses with the Islamic ruling that spoils are the property of God and His Prophet. The mental atmosphere of despair regarding the war with the infidels gives way to the real mental atmosphere of hope and reliance on God. Whatever God sees fit will happen, even if it does not seem to be in the best interests of God's servants. It is clear to God that some believers, in a conventional and unreal world, confess to hearing and confirming divine commands, and they must be receptive to divine commands in a real world, responsible for them, and true followers of the Prophet. They should always keep in mind that the possessions of this world are only a means of testing them. True believers do not claim that the divine verses are superstitions, but rather it is the polytheists who have an absurd claim about the nature of the Quran and are incapable of producing anything like it, and those who are pious are the true owners of the Sacred Mosque. In several verses, God

reminds us of victory - despite the scarcity of fighters and military equipment - and reminds us that the source of victory and victory over the enemy, which is God, should not be forgotten. God tells the believers to break their covenants and thwart their evil plans in the face of their covenant-breaking enemies, and then reassures the prophet that God and his faithful followers are sufficient for him, and that he does not need any other helpers or surrender to the enemies. The patient and steadfast believers in the divine path will always taste the sweet taste of victory. They are the ones who are as steadfast and steadfast as mountains in the face of a multitude of enemy armies. By properly understanding the mental spaces present in the verses, we realize that some of the companions of the Prophet had behavior that was not derived from true faith, and God depicts for them the real space of true believers. The mental spaces about God's help and provision, which have been neglected by the believers, have been well taken into account in the semantic load of the verses. The unreal and false mental spaces of Satan are presented in the verses to lead the believers astray, and in contrast, the themes of the verses speak of calling the believers to the truth of divine ideals and God's benevolence.

References

The Holy Quran

- _____. *Al-Tebyan in the Interpretation of the Quran*, researched by Ahmad Qusayr Ameli, Beirut: Dar Ahya al-Turaht al-Arabi, no date, {In Arabic}.
- Al-Kawthar website (1401 AH, May 7). *Introduction to Surah al-Anfal*, retrieved from fa.alkawthartv.ir, {In Arabic}.
- _____. (2011). *Cognitive Semantics of the Quran*, Tehran: Islamic Culture and Thought Publications, 2011, {In Persian}.
- Ekhtiar, Mansur (1969). *Semantics*, Tehran: University of Tehran, {In Persian}.
- Fadlallah, Mohammad Hussein (1988). *From the Revelation of the Quran*, Beirut: Dar al-Malak, {In Arabic}.
- Ghaemi-nia, Alireza (2000). *Biology of Text*, Tehran: Publications of the Islamic Culture and Thought Research Institute, {In Persian}.
- Jannet, Little Moore and John R. Taylor (2016). *An Introduction to the Theories of Cognitive Linguistics (with Some Practical Aspects)*, Translators: Parsa Bamshadi and Shadi Ansarian, Qom: Kowashiar Publications, {In Persian}.
- Majlesi, Mohammad Baqir (1403 AH). *Bihar Al-Anwar*, Beirut: Al-Wafa Foundation, {In Arabic}.
- Mostafavi, Seyyed Hassan (1417 AH). *Investigation of the Words of the Holy Quran*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, {In Arabic}.

- Marefat, Mohammad Hadi (1992). *Teaching the Sciences of the Quran*, Vol. 1, no place, Islamic Propaganda Organization Printing and Publishing Center, {In Persian}.
- Makarem Shirazi, Nasser (1371 AH). *Tafsir Nemune*, Ch. 10, Tehran: Daral al-Kutb al-Islamiyya, {In Persian}.
- Muhanna, Abdullah Ali (1413 AH). *Tahdhib Lisan al-Arab*, Beirut: Daral al-Kutb al-Ilmiiyya, Muhammad Ali Baydoon Publications, {In Arabic}.
- Qaraati, Mohsen (2009). *Tafsir al-Noor*, Qom: Institute for the Path of Truth, {In Persian}.
- Qaramaleki, Ahmad Faramarz (2001). *Methodology of Religious Studies*, Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences, {In Persian}.
- Qorashi, Ali Akbar (2008). *Qamus al-Quran*, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya, {In Persian}.
- Qomi, Ali ibn Ibrahim (2011). *Tafsir al-Quran*, Qom: Dar al-Kutb, {In Arabic}.
- _____ (2009). *Radial Networks of the Semantics of the Quran*, Mind, No. 38, Summer 2009, {In Persian}.
- Shirafkan, Mohammad Hossein; Ghaemi-Nia, Alireza (2016). "Analysis of the Mental Spaces of Sheytan's Discourse in the Quran", Interdisciplinary Researches on the Holy Quran, Volume 7, No. 2, Fall and Winter 2016, pp. 78-63. {In Persian}.
- Safavi, Kouros (2000). *An Introduction to Semantics*, Vol. 1, Tehran: Islamic Propaganda Organization (Soorah), {In Persian}.
- Safavi, Kouros (2008). *Introduction to Semantics*, Tehran: Soorah Publications, {In Persian}
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hussein (1988). *Al-Mizan in the Interpretation of the Quran*, translated by Ayatollah Makarem Shirazi, Qom: Allama Tabatabaei Scientific and Cultural Foundation, {In Arabic}.
- Toshihiko, Izutsu (1999). *Ethical-Religious Concepts in the Holy Quran*, Translated by: Fereydoun Badrehi, Tehran: Farzan Rooz Publishing and Research, {In Persian}.